



A look at the translation of Rumi's "Masnavi-ye Ma'navi" in Uzbekistan
Assoc. Prof. Nargiza Shoaliyeva: International Islamic Academy of Uzbekistan, Tashkent
Received: 24/12/2024 **Accepted: 05/01/2025**

نگاهی به ترجمه های مثنوی معنوی مولوی در ازبکستان

A look at the translation of Rumi's "Masnavi-ye Ma'navi" in Uzbekistan

Nargiza Shoaliyeva¹

nshoaliyeva74@mail.ru

<https://orcid.org/0000-0002-7314-0093>

چکیده:

ترجمه مثنوی معنوی و دیوان شمس، با چالش‌های متعددی روبرو است. این چالش‌ها شامل تفاوت‌های زبانی و فرهنگی، پیچیدگی‌های زبانی و ادبی و تفسیرهای مختلف از مفاهیم عرفانی و فلسفی است. مترجمان باید با دقت و دانش عمیق از زبان مبدأ و مقصد و همچنین آشنایی با زمینه‌های تاریخی و فرهنگی مولانا، به ترجمه بپردازند. یکی از مشکلات اصلی در این کار، انتقال دقیق مفاهیم عرفانی و فلسفی مولانا به زبانی دیگر است که نیازمند درک عمیق از مفاهیم و توانایی بیان آنها به شکلی قابل فهم برای مخاطبان جدید می‌باشد. برای ارایه ترجمه درست از آثار مولانا و مثنوی بایستی بر ادبیات فارسی تسلط کافی داشت. تسلط به زبان فارسی و شعر مولانا نیازمند ترکیبی از مطالعه، تمرین و درک عمیق از فرهنگ و تاریخ ایران است. یقین است که برای رسیدن به چنین توانایی باید متون کلاسیک را مطالعه کرد؛ از منابع آموزشی در ادبیات کلاسیک استفاده کرد؛ در صورت لزوم از کلاس‌ها و کارگاه‌ها بهره برد و در نهایت مطالعه در تفاسیر و شرح‌های آثار مولانا و تمرین ترجمه می‌تواند مفید باشد. در این مطالعه سعی می‌شود با روش مطالعه تحقیقی و کتابخانه‌ای با نگاهی تطبیقی به مثنوی پرداخته شود. برای ترجمه تطبیقی آثار مولانا، می‌توان از روش‌های تحقیقی مختلفی استفاده کرد که در این میان تحلیل محتوا، تحلیل سبک‌شناسی، تحلیل تطبیقی فرهنگی، تحلیل تاریخی، مطالعه تطبیقی ترجمه‌های مختلف استفاده کرد. این مطالعه نگاهی تحقیقی و تطبیقی بر چالش‌های موجود در ترجمه آثار مولانا به ویژه مثنوی معنوی دارد.

کلید واژه: مثنوی مولانا، ادبیات تطبیقی، ترجمه آثار مولانا

Abstract

The translation of the "Masnavi-ye Ma'navi"-Spiritual Verses, and "Divan-e Shams-e Tabrizi"-The Works of Shams Tabriz, faces many challenges. These challenges include linguistic and cultural differences, linguistic and literary complexities, and different interpretations of mystical and philosophical concepts. Translators should translate carefully and with deep knowledge of the source and target languages and familiarity with Rumi's historical and cultural contexts. One of the main problems is the precise transfer of Rumi's mystical and philosophical concepts to another language, which requires a deep understanding of the concepts and the ability to express them in an understandable way for new audiences. To provide a correct translation of the works of Mowlānā and Masnavi, one must have sufficient mastery of Persian literature. Mastering the Persian language and Rumi's poetry requires a combination of study, practice, and a deep understanding of Iranian culture and history. It is certain that for such ability, one should study classical texts, use educational resources in classical literature, If necessary, take advantage of classes and workshops, and finally, study the interpretations and descriptions of Rumi's works and practice translation can be helpful. This study attempts to study Masnavi using a research and library study method with a comparative perspective. Different research methods can translate Rumi's works, including content analysis, stylistic analysis, cultural comparative analysis, historical analysis, and comparative study of various translations. This study provides a research and comparative view of the challenges in translating Rumi's works, especially Masnavi Manavi.

Keywords: Rumi's Masnavi, Meaning, Comparative literature, Translation of Rumi's works

¹ PhD, Associate Professor, International Islamic Academy of Uzbekistan, Department of Uzbek and foreign languages, 11 A.Kadiri, Tashkent, 100011, Uzbekistan

Özet

"Mesnevi-ye Ma'navi"-Manevi Ayetler ve "Divan-ı Şems-i Tebrizi"-Şems-i Tebrizi'nin Eserleri'nin çevirisi birçok zorlukla karşı karşıyadır. Bu zorluklar arasında dilsel ve kültürel farklılıklar, dilsel ve edebi karmaşıklıklar ve mistik ve felsefi kavramların farklı yorumları yer alır. Çevirmenler dikkatli bir şekilde ve kaynak ve hedef diller hakkında derin bilgi sahibi olarak ve Rumi'nin tarihi ve kültürel bağlamlarına aşina olarak çeviri yapmalıdır. Başlıca sorunlardan biri, Rumi'nin mistik ve felsefi kavramlarının başka bir dile tam olarak aktarılmasıdır; bu da kavramların derin bir şekilde anlaşılmasını ve bunları yeni kitleler için anlaşılır bir şekilde ifade etme becerisini gerektirir. Mowlānā ve Mesnevi eserlerinin doğru bir çevirisini sağlamak için, kişinin Fars edebiyatına yeterli düzeyde hakim olması gerekir. Fars diline ve Rumi'nin şiirine hakim olmak, çalışma, pratik ve İran kültürü ve tarihine dair derin bir anlayışın birleşimini gerektirir. Böyle bir yetenek için klasik metinleri incelemek, klasik edebiyatta eğitim kaynaklarını kullanmak, gerekirse derslerden ve atölyelerden yararlanmak ve son olarak Rumi'nin eserlerinin yorumlarını ve açıklamalarını incelemek ve çeviri pratiği yapmak faydalı olabilir. Bu çalışma, karşılaştırmalı bir bakış açısıyla araştırma ve kütüphane çalışma yöntemi kullanarak Mesnevi'yi incelemeyi amaçlamaktadır. İçerik analizi, üslup analizi, kültürel karşılaştırmalı analiz, tarihsel analiz ve çeşitli çevirilerin karşılaştırmalı çalışması dahil olmak üzere farklı araştırma yöntemleri Rumi'nin eserlerini çevirebilir. Bu çalışma, özellikle Mesnevi Manavi olmak üzere Rumi'nin eserlerini çevirmedeki zorlukların bir araştırmasını ve karşılaştırmalı görünümünü sunmaktadır.

Anahtar kelimeler: Mesnevi, Anlam, Karşılaştırmalı edebiyat, Rumi'nin eserlerinin çevirisi

مقدمه

گنجینه ادبیات جهان هر روز با ترجمه های جدید مثنوی معنوی غنی تر می شود. این اثر که از دهه بیستم قرن گذشته وارد دنیای معنوی غرب شد، اکنون جایگاه خود را در میان شاهکارهای ادبیات جهان تقویت کرده است. گرچه نخستین ترجمه های ترکی آثار مولوی و خاصه مثنوی حدود دو سده بعد از درگذشت وی (میانهای قرن 9 هجری/ اواسط قرن 16 میلادی) و در زمان عثمانی صورت گرفته است، اما از نیمه دوم قرن 19 میلادی به این سو، ترجمه ها و پژوهش های افرادی چون نیکلسون (تاریخ نشر 1925-1940)، آربری (1950)، وینفیلد (1887) به انگلیسی، آنه ماری شپل (1978) به آلمانی، عبدالباقی گولپینارلی (1951) به ترکی و ادیب فیروزشاهی سندی (1908) به زبان سندی در معرفی آثار مولانا به ملت های دیگر نقش مهمی داشته است.

عنوان فرعی

اگرچه آثار مولوی تاکنون به نزدیک 34 زبان پرکاربرد (از جمله زبان های ترکی، عربی، انگلیسی، آلمانی، سوئدی، ایتالیایی، فرانسوی، ژاپنی، آلمانی، اسپانیایی، ترکمنی، اردو، قزاقی، ازبکی، چینی، یونانی، روسی، مالایی، ترکی آذربایجانی، کردی، سواحیلی، بوسنیایی، هلندی و فریقزی) ترجمه شده است، ولی شعر مولوی را بهتر است به فارسی خواند چرا که شور و شیدایی، موسیقی درونی و معانی بلند آن را تنها میتوان به فارسی احساس کرد. به نظر میرسد که این بیان شگفت انگیز تنها در فارسی نمود پیدا می کند. ترجمه این شعرها بسیار دشوار است، اما مخاطب که در نهایت فارسی نمی داند و می خواهد مولانا را بخواند، باید دست کم روح ادبی زبان او را دریابد. بنابراین مترجم که اثر مولوی را ترجمه میکند از دین اسلام و عرفان و فرهنگی ایرانی و شرقی را از نزدیک آشنا باید باشند. چون در «مثنوی» آیات قرآن 760 بار نقل شده و 703 حدیث در 745 مکان به کار رفته است. (Rahmon, 2015)

از نظر مولانا روح انسانی اساساً نامرئی و شبیه فرشتگان و متعلق به عالم روحانی است. روح از آن خداست. خداوند آن را در قالب گلی که به شکل بدن انسان، درآورد. این قالب به تعبیر مولانا صورت، یعنی جُثه، مادی، فانی، گذرا است و درست مثل لباسی که می پوشیم، موقتی است. زمانی می رسد این جامه از تن خارج می شود و در عالم ماده می ماند، بدن غبار آلود دوباره خاک می شود و روح جاودانه، که به اصل خود - به عالم معنویت، روح کل- به خدا باز می گردد. تنها راه تطهیر عشق، تسلیم شدن در برابر عشق خداست. یعنی شیفته درخشش های زودگذر جهان نباید بود. سریع و عمیق فهمید که همه اینها صورت و تصویر هستند و باید به دنبال معنا و ماهیت بود و معنا و ماهیت از نظر مولانا «المعنی هو الله» است. جنگیدن برای این است که تمام عمر را فقط با درستی و صداقت زندگی کرد، به فکر عاقبت و آخرت بود. معنا و اصل آمدن و رفتن به عالم نور را نه در عالم مادی، بلکه در عالم معنوی باید جستجو کرد. مقصود از «مثنوی» در اصل یک جامعه صوفیانه است. اما این جنبه از آن را فقط کسانی که از طریقت صوفیانه پیروی می کنند یا کسانی که آن را خوب می شناسند می توانند درک کنند. (Mahkam, 2021)

مردم دور از دیدگاه صوفیانه و فهم عرفانی، از «مثنوی» در موضوع های مخلوق و غیر مخلوق، خالق و خلق، عالم و انسان، سیرت و صورت، علت و معلول، صورت و معنا، ظاهر و باطن، مرگ و بقا، این جهان و آن دنیا، ملکوت و دنیا، مانند شاه و گدا، نیستی و هستی، کفر و ایمان، وحدت و فقر، دنیای مادی و معنوی و به مثابه گنجینه ای از معانی، صندوقی از حکمت، که مایه

زیبایی، عشق و بی مهری، عدالت و بی عدالتی، امانت و جنگ، راست و دروغ، وفاداری و خیانت، خیر و شر، حکمت و جهل، عشق و خشم، رنج و لذت، نفرت و شفقت، پاکی و ریا، سخاوت و بخل، سادگی و حيله، صدها حکمت های زیبایی درمورد هزاران درگیری های انسانی و دنیای بهره خواهی گرفت. متأسفانه بسیاری از ترجمه های مثنوی، تحت اللفظی و منثور است و از دنیای مولانا و اصالت مولوی دور مانده اند. مثلاً در غزل مولانا:

چه تدبیر ای مسلمانان که من خود را نمی دانم

نه ترسانه یهودم من، نه گیرم نه مسلمانم

نه شرقیم نه غربیم نه بریم نه بحریم

نه از کان طبعیم، نه از افلاک گردانم. (دیوان شمس غزل 116)

کولمن بارکس شاعر آمریکایی؛ مولانا را «توسعه» داده و «مدرن» می کند و می گوید: «من مسلمان، مسیحی، یهودی، بت پرست، ذن یا عضو هیچ نظام مذهبی و فرهنگی نیستم»، (Coleman & Bly, 1989)

مولانا خود را بند چیزی نمیداند، نگاه خالص و توحیدی او را ظاهر پرستان در دوره مولانا همواره بر او خرده می گرفتند و جان کلامش را نمیخواستند بشنوند. خطاب به آنان میگوید جدا نکنید و هستی را جداگانه گمان نکنید. مانند شما در شیوه زندگی دنیایی دنبال رستگاری و اصل خود هستم. دشمن شما نیستم اگر چه گمان کنید. اصل و نیتم زیبایی و عشق و وصلت است. اگر مختصری با آثار و روحيات و مقصود متعالی مولانا آشنا باشید میدانستید مولانا هرگز برای نزدیک کردن خود با گروهی متوسل به ادعای هم تباری با آن ها نمیشده است او مبلغ عشق و مهر و خواستار نزدیکی تمام انسان ها بوده وگرنه جایگاه رهبری دینی خود بین مسلمانان را با ابراز سخنان و عقایدی که گروهی ظاهر پرست را بدو مشکوک کند و باعث صدور حکم تکفیر او بشود را هرگز مرتکب نمیشد. اگر بگویم که اکثر ترجمه ها نمیتواند درونمایه و ژرفای معنای آثار مولانا را بازتاباند، مبالغه نکرده ایم نیز اغراق نیست که مولانا به لطف ترجمه های بارکس با استفاده از ترجمه کلمه به کلمه جان موین (John V. Le Moyne) جهان غرب را تسخیر می کند. بارکس گفت: در حالی که کتاب های خودش فقط چهار تا پنج نسخه در ماه به فروش میرود، از کتاب های مولانا روزانه صدها نفر خریداری میکنند (Rahmon S., 2015).

«مثنوی» اثر بی بدیلی است که با نبوغ شاعرانه، روح و معنویت خواننده زکی را هم با نور الهی و هم دنیای (زمینی) روشن می کند، می درخشد. هدف اصلی «مثنوی» بیدار کردن ذهن ناخودآگاه انسان است. راه ترجمه آثار مولانا در ازبکستان در سال های پس از استقلال باز شد. جومانیا جباروف و شا اسلام شامحمداف برای اولین بار این کار را آغاز کردند. برخی از غزلیات شاعر را ترجمه کردند. بعدها سیراج الدین سعید نیز دسته ای از غزلیات او را به ازبکی برگرداند. جمال کمال ابتدا برخی از روایات «مثنوی» و برخی از رباعی ها را ترجمه کرد و کتاب به نام «Uchmoqqa qanot yo'q vale uchgaymen» (برای پرواز بال ندارم، ولی میپریم) منتشر کرد. (Rumiy, 1994) بعداً «مثنوی» را به طور کامل به قضاوت مخاطب رساند. اصغر محکم نیز بخش بزرگی از کتاب اول این اثر را به صورت کتاب جداگانه با ترجمه و تعلیقات شعری به زبان ازبکی منتشر کرد. (Mahkum, 2004) ایرگش آجیلاف پژوهشگر و مترجم با استعداد رباعیات مولوی را سال 2013 منتشر کرده است.

سه مترجم ماهر- اصغر محکم، جمال کمال و عادل اکرام مثنوی معنوی مولانا را در سالهای مختلف به زبان ازبکی ترجمه کرده اند و ترجمه های آنها از طرف مخاطب خیلی مشتاقانه استقبال شده است. اگرچه هر ترجمه انجام شده ویژگی های خاص خود را دارد و هر مترجم سعی کرده است از اصل متون دور نرود ولی باز هم از بعضی از خلل خالی نیست.

اصغر محکم (1958-2007) مترجم با استعداد و شاعر نامی از جمله شاعرانی است که آزاد اندیش در شعر نو ازبکی در وزن های سربست، بیت سپید، وزن انگشت و عروض شعر سروده است. آن طوری که گفتیم او دفتر اول مولوی را به نام مثنوی معنوی جلال الدین رومی سال 1999 در تاشکند منتشر کرده است. همچنین مجموعه «غزلیات دیوان شمس تبریزی» توسط او به زبان ازبکی برگردانده، که کتاب مورد نظر رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ازبکستان منتشر شده است.

جمال کمال (1938-2022) عضو اتحادیه نویسندگان ازبکستان، شاعر مردمی ازبکستان است که حکمت های جلال الدین رومی 2013 و مثنوی معنوی مولوی را سال های 2004-2000 به زبان ازبکی ترجمه و در شش جلد منتشر کرده است.

عادل اکرام (1960) عضو اتحادیه نویسندگان ازبکستان که شاعر و مترجمی با استعداد است مثنوی معنوی مولوی را در سال 2021 به ازبکی ترجمه کرده است. ترجمه ایشان طرفداران خیلی زیادی دارد چون ترجمه به زبان ازبکی خیلی روان در آمده است.

اینک به ترجمه ها توجه میکنیم. مثلاً مولانا در دفتر اول میگوید:

ماه کو افزود ز اختر در جمال

شد ز رنج دق او همچون خیال (جلال الدین، 2007)

ترجمه جمال کمال :

Oyda yulduzdan-da ortiqdir chiroy,
Oy emas, nozik xayoldir ko'kda oy.

ترجمه عادل اکرام:

Oy erur yulduzdanam sohibjamol,
Gar tutilsa – sil, qolar undan xayol.

در این بیت هر دو مترجم از ترجمه دقیق معنا دور دور مانده اند در نتیجه واژه های اضافی استفاده شده است که در متن اصلی دیده نمیشود. پیشنهاد میشود:

Oy qani chiroyda yulduzdan ortgan
Xayol kabi bo'ldi u ranju g'amdan

باز:

این طلب در ما هم از ایجاد تست

رستن از بیداد یا رب، داد تست (الدین، 2007)

در بیت زیر عادل اکرام صحیحتر ترجمه کرده است ولی جمال کمال، واژه بافی کرده است در نتیجه به کاهش معنا اصل دچار شده است:

ترجمه جمال کمال:

Bu talabdir lutfu ijoding sening,
Zulmdin "Yo Rab!" deyish doding sening.

ترجمه عادل اکرام:

Ne talab bor bizda – ijoding erur,
Ketsa gar zulm, adlu ehsoning erur.

این طور بهتر است:

Bizdagi bu talab ham, ijodingdan sening
Yo Rab! bedodlikdan xalos adling sening

باز هم:

چون تو در قرآن حق بگریختی

با روان انبیا آمیختی (جلال الدین، مثنوی معنوی، 2007)

در این بیت توجه مترجمین بیشتر به قافیه بوده است. جمال کمات حتی تفاوت اولیا و انبیا را در نظر نگرفته است.

ترجمه جمال کمال:

Tangri Qur'oniga bo'lsa rag'bating,

Avliyolar birla bo'lgay suhbat.

ترجمه عادل اکرام:

Sen agar ogoh Haq Qur'onidan,

*Nam tuyarsan anbiyoning jonidan*¹.

میبایست اینطور گفت:

Gar panoh topsang haqning quroniga

Qorishgaysan anbiyo ruhiga

نتیجه گیری

در حالی که جمال کمال سعی می کند قافیه اصلی را حتی به قیمت فداکردن معنی در بیشتر موارد حفظ کند و بر این اساس به جملاتی با اضافات فارسی تمایل دارد، عادل اکرام اغلب معنای بیت را اشتباه می گیرد، گویی در حال ازبکی سازی آن است. در واقع، در ترجمه، حفظ یک فرم زیبا و انتقال محتوای درخشان به طور همزمان بسیار دشوار است. با این حال، این را نباید نقص زبانی دانست که اثر به آن ترجمه شده است. حتی در هیچ زبان غنی، زرق و برق، فصاحت و ظرافت یک زبان خارجی به یک شکل ظاهر نمی شود. گاهی باید زینت شاعرانه و پیچیدگی را قربانی کرد تا عمیق ترین معنا حفظ گردد. جای زکر است که در سرا سری دنیا در نتیجه ترجمه های آثارش مولانا باز هم معروف تر و محبوبتر گردیده اگرچگی ترجمه ها نه همیشه میتواند بیانگری معنا ویا روح و هنر زیبای اشعار مولوی را نمایان کند ولی مشاهدیده میشود که باز هم با این حال فلسفه آریفانه و عشق و محبت او در هر زبان جهان نمودار است که مردم دنیا روز به روز به آثار او بیشتر مراجعه میکنند.

References

- Coleman, B., & Bly, R. (1989). *Poems of Rumi (Cassette)*. Audio Literature. Audio Literature.
- Mahkam, A. (2021). *Vahdat kuyi. She'rlar, g'azallar, ruboiylar, adabiy o'ylar* (1 ed.). Tashkent: Nurafshon business.
- Mahkam, A. (2004). *Tabriz daftari: Al-Hudo" xalqaro nash."*Minhoj. Tashkent: Minhoj.
- Rahmon, S. (2015). Uzbekistan. Retrieved from <https://kh-davron.uz/kutubxona/islomiyy-adabiyot/tasavvuf/sulaymon-rahmon-rumiy-va-uning-durdona-asari-manaviy-masnaviy-ning-ozbekcha-tarjimasiga>
- Rahmon, S. (2015). Toshkent. Retrieved from <http://daftaredel42.blogfa.com/post/302>
- Rumiy, J. (1994). *Uchmoqqa qanot yo'q vale uchgaymen. Rivoyat va ruboyilar*. (J. Kamol, Trans.) Tashkent.

الدین, م. ج. (2007). *مثنوی معنوی* (جلد 1). تهران: امیرکبیر.

جلال الدین, م. ج. (2007). *مثنوی معنوی* (جلد 1). تهران: امیرکبیر.

جلال الدین, م. ج. (2007). *مثنوی معنوی* (جلد 1). تهران: امیرکبیر.

¹Abdulloh ibn Amr ibn Os (r.a.)dan: "Kim Qur'onni o'qisa, uning ikki tomonidan nubuvvat chiqqandek bo'ladi, lekin unga vahiy qilinmaydi. Kim Qur'onni o'qisa, so'ngra Ollohning bandalaridan biriga berilgan narsani o'ziga berilgan narsadan afzal bilsa, Olloh taolo ulug' qilib bergan narsani haqir sanabdi". (Hasan marfu'. Hokim sahih sanagan)